

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ سپتمبر ۲۰۲۱

ناخن های افکار حاکمیت طالبی!

(۱)

جمعه ۱۲ سنبله ۱۴۰۰ - کابل: تاریخ بارها در تمام کشور ها به تجربه ثابت نموده است، که هر حاکمیتی چه قدیمی و چه هم جدید مشکلاتی را مواجه می باشد که مخالفان و دشمنانش می توانند از آن مشکل و یا مشکلات به مثابه "ناخن افکار" یا به گفته فردوسی "چشم اسفندیار" و یا هم ادبیات یونانی "پاشنه آشیل" حاکمیت سود ببرند. تا جایی که من از این اصطلاحات برداشت دارم تمام آنها در کل می خواهند نقاط آسیب پذیر را مشخص بسازند. نقاطی که با اندک فشار بر آنجا، جسم بیشترین و چه بسا مرگبارترین درد را می باید تحمل نماید.

هرگاه خواسته باشیم "ناخن افکار" حاکمیت طالب را مشخص سازیم، بزرگترین امتیازی که با آن مواجه می شویم، عدم ضرورت تحقیق و تفحص اضافی جهت یافتن "ناخن افکار" است. یعنی این حاکمیت آنقدر زخم خورده و آنقدر در تمام بدنش زخمهای علاج ناپذیر وجود دارد که برای طرف مقابلش نیازی نیست تا تحقیق کند که کجایش را می شود "ناخن افکار" تشخیص داد. از وابستگی و نوکری خودشان به اجانب و بیگانگان گرفته تا جهل مفرد و علاج ناپذیرشان، از ضدیت شان با نیم نفوس افغانستان گرفته تا دشمنی شان با مذاهب و عقاید غیر خودشان، از انحصار طلبی و تمامیتخواهی قومی شان گرفته، تا دامن زدن به تضاد های طایفه ای، از نقض حقوق بشر گرفته تا تقابل و خصومت شان به حقوق و آزادی های دموکراتیک و ... ده ها و صد ها درد و مرضی که هریک از آنها می تواند به مثابه "ناخن افکار" باعث گردد تا این طفل حرام، مرده به دنیا آمده و فقط برای خوابیدن در لحد ثبت تاریخ گردد.

در یادداشت کنونی از بین جمیع "ناخن های افکار" طالب، صرف در دو مورد را که قدرت های بزرگ جهانی و منطقه ای می خواهند در عقب آنها، درب مداخلات را برای خودشان باز نگه دارند، تذکر می دهم: یکی مسئله پنجشیر و دیگری داعش.

۱- به ارتباط مسئله پنجشیر هیچ گاه به خود حق نمی دهم تا "احمد مسعود" را به خاطر جنایات و خیانت های پدرش خاین، وطنفروش و جنایتکار خطاب نمایم، مگر این را حق و وظیفه خود می دانم زمانی که ندای "جبهه مقاومت ملی دوم" را می شنوم، آگاهانه و متعهدانه در جهت تشخیص آنها گام گذاشته خود را متیقن سازم که آیا آن شعار ها به خصوص دفاع از "جمهوریت" واقعی اند و یا باز هم کلاه گذاشتن بر سر مردم و آنها را به دم خر اسلام سیاسی بستن می باشد، اینها به تجربه ثابت نموده اند که به محض رسیدن به قدرت باز هم از خورجین "ربانی" با نفی "جمهوریت" چیزی به نام "شورای حل و عقد" را بیرون کشیده، حاکمیت بلامنازع شان را بر مردم با زور اسلحه و با آفریدن ده ها

و صد فاجعه افشار تحمیل می دارند. تجربه ثابت نموده به همان سان که آنها روزی در پشت اسلام سنگر گفتند و اسلام سیاسی را وارد معرکه نمودند، اینک تلاش دارند با استفاده ابزاری از نام جمهوریت، مجدداً مردم را به بیراهه "حل و عقد" و در نهایت وابستگی و انقیاد بکشانند.

در این روند است که انسان متوجه می شود، این نام جدیدیست که شورای نظار و جمعیت اسلامی با تمام سوابق جنایتکارانه و خاینانه شان برای خود انتخاب نموده و از بس کادر ها و رهبران سابق شان بدنام و غیر قابل اعتماد معرفی شده اند، این جوانک را پیش انداخته اند تا ماهی دلخواه شان را زیر نام وی به چنگ آرند و چه بسا از همین اکنون قاتلش را نیز در بین خود جای داده باشند.

وقتی شناخت به چنین مرحله ای می رسد، اخلاق و وجدان مبارزاتی بر انسان حکم می نماید تا صریحاً اعلام بدارد، که هرگاه "احمد مسعود" آگاهانه و با خواست خودش شعار تفرقه افگنان، جنایتکاران و خاینان شورای نظاری- جمعیتی را در معیت و همکاری با همان جنایتکاران و دزدان بر افراشته است، راهی را که برگزیده راه خیانت به مردم و راه خیانت به کشور می باشد و هرگاه نا آگاهانه در این مسیر گام می گذارد، اولتر از نجات پنجشیر و افغانستان، می باید بکوشد تا خود را از بند هائی که باند های شورای نظار و جمعیت به دورش تنیده اند، نجات دهد.

هموطنان گرامی!

افشای ماهیت، خواست و سیاست های باند های شورای نظار و جمعیت و در کل داعیان اسلام سیاسی به هر لباسی که ملبس گردند بدان معنا نیست که کسی بیاید و از "امارت" طالبی دفاع نماید، بلکه بدان معناست که نباید خود را ملزم با انتخاب بد از بدتر نموده ماحصل قربانیان ملت علیه تجاوزات و جنایات طالب را در پیشگاه "برادران طالب" تقدیم داشت. بدان معناست که افغانستان در موقعیتی قرار گرفته که یا باید سلطه جابرانه اسلام سیاسی را در اشکال مختلف پذیرا گردد و یا باید با عبور از اسلام سیاسی و به زاله دان تاریخ سپردن تمام اشکال آن، راهش را به طرف فردای روشن که در آن انسان آزاده مالک و صاحب سرنوشت خودش می باشد، باز نماید. بدان معناست که خلق افغانستان سرانجام می باید خود را از سیطره اوهام قرون رهانیده به جای دلبستن به این و یا آن "قومندانزاده"، با اتکاء به نیروی خود به مصاف امپریالیسم و ارتجاع و نوکران زرخرید آن در لباس های طالب و بقیه اسلام سیاسی برود. بدان معناست که بیش از این حرکات خودجوش و زنجیر گسل خودش را با نعره های میان تهی نعره تکبیر و امثالش که از سوی معامله گران سر داده می شود نیامیخته، درب فریب و اغفال را بر روی جنایتکاران لمیده در در آخور اسلام سیاسی باز نکند.

هموطنان گرامی!

بحث ما بر مبنای ضرورت از تذکر "ناخن افگار" اندکی فرا تر رفت. پوزشم را بپذیرید. آنچه در این میانه مسأله پنجشیر را برای حاکمیت طالب "ناخن افگار" ساخته است، می شود آن را از سخنان امروز "لاوروف" و زیر خارجه روسیه استنباط نمود. شاید شما هم شنیده باشید، امروز "لاوروف" با لحن تقریباً غم انگیز و اندیشمندانه ای اعلام داشت که "امیدوار است طالبان بر پنجشیر حمله نکنند".

هموطنان گرامی!

وقتی یک وزیر خارجه با آن قیافه و لحن چنین امیدی را ابراز می دارد، غیر مستقیم بدان معناست که آن نقطه برای آنها دارای ارزش است و می تواند بر مناسبات آنها با حمله کننده تأثیر بگذارد. این یعنی آنها علی رغم این که فعلاً نمی خواهند نقش میانجیگرانه داشته باشند، در آینده بیطرف مانده نمی توانند. وقتی چنین صدائی با صدای تعدادی از سناتوران امرکائی که خواستار به رسمیت شناختن جبهه پنجشیر به مثابه حاکمیت رسمی در افغانستان می گردند، با

سیاست بازی های مکارانه و منافقانه فرانسه "مکرون" در هم می آمیزد، خبری را که با خود حمل می نماید بسیار روشن و گویاست: مسأله پنجشیر یکی از ناخن های افکار حاکمیت جدید می باشد. ناخن افکاری که نه تنها دردانگیز است، بلکه در صورت برخورد نادرست با آن می تواند به قانقاریای علاج ناپذیری مبدل شده تمام دست و تمام بدن را نیز آسیب جدی برساند.

ادامه دارد

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!